

نظام سیاسی

"امت و امامت"

- البته این وابسته به یک شرط اساسی است که من دوست دارم با دقت گوش بدهید و این را به اعماق ذهن ضمیر اجتماعی و اسلامی و فکر خود ببرید. چون اگر که مفاد این شرط نباشد، هر انقلابی و هر نهضتی به مشکل بر می خورد از جمله انقلاب ما. تنها وقتی واقعاً انقلاب بر اصول اساسی خود باقی می ماند که این شرط باشد.

این شرط "حضور آگاهانه‌ی یک فرد امت در اداره جامعه"

- رابطه‌ی امت و امامت یک رابطه‌ی مشخص است، شناختن و شناختن آگاهانه و پذیرفتن، نه تعیین و نه تحمیل.

و این امامت و امت نسبت به یکدیگر متعهدند و مسئول.



مبارز ما باید با حال
عبادت کند و عابدان
ما باید با نشاط مبارزه
کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

نظام سیاسی که مد نظر ما در انقلاب اسلامی نظامی است به نام "امت و امامت".

این سخنرانی، بحثی است برای اینکه گروههای مختلف با سلايق مختلف چگونه می‌توانند با همکاری یکدیگر این انقلاب اسلامی را حفظ کنند. این نظام چه نوع اسمی دارد؟ در رده‌بندی‌های نظام‌های دنیا این نظام ما از چه نوعی است؟

نظام سیاسی "امت و امامت" نظامی جایگزین نظام قبلی است. گاهی اوقات انقلابیونی هستند که انقلاب می‌کنند و حکومت طاغوتی را کنار می‌زنند ولی وقتی پیروز شدند نمی‌دانند جایگزینی که می‌خواهند قرار دهند چیست؟

در اثنای انقلاب چون این عنوان برای مردم آشنا نبود. برای شعار اول "حکومت اسلامی" انتخاب شد که بسیار گویا بود ولی وقتی معلوم این نظام ما در دل خود برای مردم، ریاست جمهوری هم دارد، نامش تغییر کرد و قرار داده شد "جمهوری اسلامی".

ولی نام راستین و کامل این نظام، نظام "امت و امامت" است.

در رأس این نظام اصول عقیدتی و عملی اسلام بر اساس کتاب و سنت است. همه چیز باید از این قله سرازیر شود.

بر طبق این اصول عقیدتی و عملی، حاملان مسئولیت و صاحبان اصلی حق، در این ایدئولوژی، در این نظام عقیده و عمل، ناس و مردم‌اند.

هر نظامی باید مشخص کند به چه کسانی خدمت کند؟ به یک فرد؟ به یک گروه؟ به یک خانواده؟ یا به عامه‌ی مردم و به هر انسان؟

بر اساس کتاب و سنت، تمام نظر مکتب به عامه‌ی مردم است و در میان عامه‌ی مردم آنها که بر محور این مکتب شکل می‌گیرند اینها از تقدم خاص برخوردار می‌شوند آنها می‌شوند امت.

امت غیر از ناس است. اسلام در خدمت همه ناس است و صلاح همه را می‌خواهد؛ نظام اسلامی به سعادت کل بشر می‌اندیشد. ولی در میان ناس و کل بشر، آنها که بر پایه‌ی اعتقاد به اسلام یک مجموعه‌ای را به وجود می‌آورند، می‌شوند امت. امت بر اساس مبانی اسلام حتما نیاز دارد به امامت.

یک وقت یک مکتبی می گوید امت خودش عمل کند بدون اینکه جهتی به حرکت دهد. در اسلام اینگونه نیست. اسلام می گوید ای امت اگر می خواهی در مسیر الی الله گم نشوی باید به حبل المتین و عروۃ الوثقی امامت متصل شوی. بنابراین می شود " امت و امامت "

ولی این امامت وقتی در مورد پیامبر و امام معصوم است با نشان ویژه‌ی و خاص از طرف خداوند است و برای او نشانه‌های خاصی است و گفته می شود طبق این نشانه‌ها، اینها امامان هستند.

این امامت با اینکه تعیینی است ولی تحمیلی نیست. چون وقتی مسلمانان قلباً و از روی رغبت به پیامبر ایمان آوردند زمینه اطاعت او را خود به خود در دل دارند. تعیینی است ولی تحمیلی نیست.

در این عصر غیبت امامت، امامت دیگر بر تو نه تعیینی است و نه تحمیلی. بلکه شناختنی است و پذیرفتنی یا انتخابی است.

در عصر غیبت، رابطه‌ی امت و امامت یک رابطه‌ی مشخص است، شناختن و شناختن آگاهانه است و پذیرفتنی است، و تعیینی نیست و تحمیلی نیست. شناختن امامت در این اصول ما یک اصل مهم است.

در طول تاریخ امت آیا تا حالا شنیده‌اید بگویند ای مردم شما مجبورید از فلان مرجع، تقلید کنید؟! و این امامت و امت نسبت به یکدیگر متعهدند و مسئول. بنابراین با تعهد و مسئولیت متقابل هستند.

در نهج البلاغه خطبه‌ای است در همین زمینه بنام " حقوق متقابل رهبر بر مردم و مردم بر رهبر "

ببینید مولی علی علیه السلام به مردم چه می گوید؟ یک گوشه‌ای را برایتان بخوانم!

علی علیه السلام، این انسان نمونه، این امام و اسوه‌ی برجسته‌ی تاریخ، این وارث ممتاز آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و همه پیامبران، انسانهای ادیان ابراهیمی، علی با مردمی که اوصافشان را در تاریخ خوانده‌اید. می گوید: مردم، از حقوقی که بر شما دارم این است که با من، با زبانی که جباران، پادشاهان تاریخ را می ستودید با من حرف نزنید! مبدا کسی بگوید کجا ما جرأت می کنیم از علی انتقاد کنیم؟! نه از من انتقاد کنید آنچه به نظرتان می رسد بگویید. من اگر خدا نگهبان و نگهدار من نباشد، برتر از آن نیستم که خرده‌ای در کارم نباشد و اشکالی بر من نباشد و شما حق نداشته باشید بر من خرده بگیرد.. این خطبه، خیلی عالی است و جمله جمله اش اصلی است عالی. علی علیه السلام با آن مقامات عالی اینگونه راه را بر انتقاد بر خود باز می کند.

بنابراین با تعهد و مسئولیت متقابل، امت و امامت رابطه‌اش این است که امت، باید از امام شناخت و آگاهی داشته باشد و از صمیم قلب او را بپذیرد و پس از پذیرفتن میان این دو مسئولیت متقابل شدید و جامعی برقرار است.

دقت بفرمائید بر پایه‌ی امت و امامت چیزی به وجود می‌آید به نام مدیریت جامعه.

آنچه در رأس وجود دارد و حتی پیامبر، امام و مرجعیت نباید از آن تخلف کنند، اصول عقیدتی و عملی اسلام است که بر پایه‌ی کتاب و سنت است. این اصول سازش‌پذیر نیست. "و لو تقبل بعض الاقوایل لأخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه بالوتین ... " اگر رسول خدا بر خلاف گفته خدا و فرمان خدا و تعلیم خدا سخنی بگوید ما او را به نابودی خواهیم کشاند.

تعجب می‌کنم برخی می‌گویند آقا نمی‌شود فلان مجتهد انقلابی، فلان حکم را تغییر دهد؟! مثل این است که دین مثل مومی است در دست مجتهد که هر طور مردم دلشان بخواهد، آن مکتب را تغییر دهد. مکتبی که مثل موم باشد و شما به هر شکلی بخواهید درش بیاورید که دیگر مکتب نیست. اولین ویژگی نظام سیاسی اسلام این است که نظامی است مکتبی و متهد نسبت به مکتب.

هر کسی دل به آن بست جزو امت است و هر کس دل نبست جزو ناس.

از اولین اصول مهم این نظام ناس و مردم است کل مردم جهان و حامل این مسئولیت برای صلاح کل مردم جهان، امت‌اند، مسئولیت مال امت است "ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر" دعوت به خیر فقط کار عمامه‌ها به سر نیست، یک یک مردان و زنان امت اسلام باید دعوت کننده به خیر و ناهی عن المنکر باشند. مسئولیت ما امت است یعنی آن مجموعی که بر محور مکتب با یکدیگر پیوند مکتبی برقرار کرده‌اند و این امت برای ایفای نقش راستینش سخت باید متوجه باشد به محور امامت و این امت و امامت با یکدیگر رابطه‌ی متقابل تعهدآور دارند. و از این امت و امامت مدیریت جامعه برمی‌خیزد.

شکل این مدیریت چیست؟ شکل خاصی برایش ریخته نشده و در هر زمان و در هر مکان می‌شود اشکال مختلف داشته باشد.

فقط باید آن اصول مکتب را فراموش نکنیم. تعیین و تحمیل در آن نباشد. بنابراین نظام‌شاهی، اسلامی می‌توانیم داشته باشیم؟! هرگز.

در ایران الان ریاست‌جمهور داریم در رابطه با امت است. بعد رئیس مجلس را داریم بر پایه‌ی رأی امت. سوم دستگاه قضایی که در کشورهای مختلف وضع مختلف دارد، در برخی جاها با رأی مردم است مثل ایالات

متحدہ امریکا ولی در کشور ما در این مقطعی که ما داریم این کار را نمی‌توانیم انجام دهیم زیرا انتخاب قاضی و تعیین آن خیلی ظریف‌تر است تا تعیین نماینده مجلس.

در قانون اساسی بر طبق موازین اسلامی و زمینه‌های فعلی این انتخاب ریاست دستگاه قضایی را قرار دادیم با امامت. البته امت در اینجا هم کار می‌کند اما از طریق امامت و رهبری.

ملت و امت این کارگزاران از جمله ریاست جمهوری و وزراء، رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و رهبری را، زیر نظر دارند. یا مستقیم یا غیر مستقیم.

مردم از طریق رهبری و از طریق دستگاه قضائی بخصوص از طریق سازمان بازرسی و هم از طریق رئیس جمهوری و هم از طریق رئیس مجلس، بر آرگانهای اجرایی نظارت دارد.

با این همه نظارت حالا مگر دولتی می‌تواند بر خلاف مصالح مردم قدم بر دارد. البته این وابسته به یک شرط اساسی است که من دوست دارم با دقت گوش بدهید و این را به اعماق ذهن ضمیر اجتماعی و اسلامی و فکر خود ببرید. چون اگر که مفاد این شرط نباشد، هر انقلابی و هر نهضتی به مشکل بر می‌خورد از جمله انقلاب ما.

تنها وقتی واقعاً انقلاب بر اصول اساسی خود باقی می‌ماند که این شرط باشد.

این شرط "حضور آگاهانه‌ی یک یک افراد امت در اداره جامعه" است.

در نظام اسلامی به من چه مربوط است و به تو چه مربوط است، در جامعه اسلامی وجود ندارد.

اگر نظارت باشد به تو چه مربوط معنی ندارد؟ به من چه مربوط وجود ندارد؟

البته برای دخالت کردن نیست این شرط. زیرا دخالت کردن موجب مشکل در کار می‌شود. دخالت نه، نظارت آری.

شما مردمی که در طول این چند ماه اخیر نشان دادید که در تشخیص بسیار قوی هستید، زمانتان را درک کرده‌اید، عالم به زمان شده‌اید، باید این خود آگاهی و این فداکاری و از خود گذشتگی و این حضور آگاهانه و متعهدانه را حفظ کنید.

آنوقت نظام سیاسی قانون اساسی به صورت یک دستگاه گردش خون منظم و دقیق چنان کار خواهد کرد که دیگر کسی هوس دیکتاتوری، هوس کیشی و حق‌کشی را به دل راه ندهد.

من تعجب می‌کنم چطور عده‌ای این طرف و آن طرف می‌گویند در این قانون اساسی بوی دیکتاتوری می‌آید و آن هم دیکتاتوری آخوندها! می‌گویند صدای پای فاشیسم نعلین می‌آید؟ این هم توهین به روحانیت است و هم توهین به ملت.

واقعاً باورتان می‌شود که این امت ما در تشخیص اینکه چه کسی را انتخاب کند هنوز قیّم و وکیلی می‌خواهد؟!

برادران و خواهران شما در طول این سالها بر چه پایه‌ای اعتماد کردید و چگونه اعتمادتان بالا رفت، مردم جریان‌های فراز و فرودها را در طول این ۲۰ سال ۳۰ سال دیدند و دیگر به هر گروهی اعتماد نکردند گروهایی که هر از گاهی فریاد مردم‌خواهی یا اسلام‌خواهی کردند ولی زود رنگ عوض کردند و انصافاً مردم ما در این رابطه آگاهانه و هوشیارانه عمل کردند.

مگر با چنین مردمی، دیگر ممکن است صدای پای فاشیسم بیاید می‌خواهد فاشیسم طاغوتی باشد، می‌خواهد فاشیسم تاج یا فاشیسم عمامه یا هر چیز دیگر باشد.

من صمیمانه می‌گویم حالتطمأنینه و آرامش را دارم که حس می‌کنم که مردم این بار را درست به منزل خواهند برد. مردمی که این همه تلاش کردند، این همه خون دادند، این همه رنج کشیدند که اینها بخواهند اجازه بدهند فاشیسم و دیکتاتوری دوباره به این جامعه بیاید!

این اصطلاحات روشنفکران بیمار هم توهین به مردم است و هم توهین به روحانیت. منظورم از روحانیت البته باید بگوییم آن عالم دینی مسئول است. من در نوشته‌ای که در سال ۴۰ نوشته‌ایم پیرامون بحثی راجع مرجعیت و مردم در آنجا نوشته‌ایم، آنچه برای ما اصل است در اسلام روحانیت نیست بلکه عالم عامل متعهد مسئول است.

یکی از ویژگی‌های عالم متعهد مسئول این است که ریاست‌طلب نیست.

ریاست را وقتی می‌خواهد بپذیرد مثل یک بار سنگین، می‌پذیرد نه مثل یک معشوقی که سالها به آن عشق می‌ورزیده و حالا به آن رسیده است!

عالم مسئول نه از مسئولیت‌های سازنده‌ای که به او پیشنهاد می‌شود سرباز می‌زند و مقدس‌بازی و مقدس‌مآبی در می‌آورد و نه به دنبال ریاست می‌دود و دوز و کلک می‌چیند.

و من گمان می‌کنم این مردم ما، این معیار را می‌دانند. ممکن است یکی دو جا اشتباه کنند و غالباً زود از اشتباه در می‌آیند ولی معیارها دستشان آمده و خوب عمل می‌کنند.

ما در تشکل‌های خودمان و در قانون اساسی این شرط عدالت و تقوا را در امام و رهبر و ریاست جمهوری قرار داده‌ایم. کسی باشد که متعهد نسبت به اسلام باشند، با تقوا باشند. - نمی‌گوییم هیچ ترک اولی نکند یا معصوم باشد، بلکه می‌گوییم زندگی‌اش نشان دهد که خدا ترس است، مبالغه دارد نسبت به اسلام و تعالیم اسلام، تلاش دارد عمل کند، متعهدانه عمل کند در برابر اسلام.

- در چشم انداز بالاتر این ویژگی‌های باید در هر فرد مسئولی در جامعه اسلامی باشد نخست وزیرش، نماینده مجلسش، فرمانده‌اش و ... ! و هر که مسئولیت در برابر این ملت بر عهده دارد. -

این شکل این نظام بود.

روح این نظام این است که شما ملت مبارز، شما ملت قیام کرده، شما ملت قهرمان، حضور خود را در صحنه برای همیشه حس کنید، معیارها را دقیقاً بشناسید و دقیقاً عمل کنید. چند صباحی دیگر می‌خواهید شما نمایندگان مجلس، شورا، کارگاه، کشت‌زار و جاهای دیگر را تعیین کنید. همه جا مراقب باشید آدم‌های قالتاق و نابالی را در این دستگاه پیچیده راه ندهید. ببینید زمام‌امورتان را به دست چه کسی می‌سپارید!

برادر من! خواهر من! اگر پانصد تومان پول داشته باشی آن را به چه کسی امانت می‌دهید؟! سرنوشتت را مراقب باش به دست چه کسی خواهی سپرد. سرنوشت خودت و سرنوشت جامعه‌ات و سرنوشت انقلابت.

بدانید در این نظام، رهبر این نظام، در برابر قوانین کشور مثل بقیه مردم، مساوی هستند و اینگونه نیست که آنها مصونیت چند ساله داشته باشند بلکه آنی و لحظه‌ای است و در هر لحظه که رهبر از انجام وظایف رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در قانون اساسی اصل ۱۰۹ باشد از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر در اصل ۱۰۸ بر عهده خبرگان منتخب مردم است.

ان شاء.. به یاری خداوند و همکاری شما چنین نظامی تحقق یابد و بعد به دنیا بگوییم بیایید و ببینید نظام اسلامی و الگوی نمونه ما را .

به امید آن روز ان شاء...



اگر به بی تفاوتی گشانده شویم، یعنی مرگ انقلاب.



کتاب
گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی
صفحه ۱۰۹

